

نویسند

(فوق العاده)

(وابسته به حزب توده ایران) سال سوم، شماره ۳۷، یکشنبه ۲۲ مرداد ۱۳۵۷

صدها آزادیخواه در شیراز و اصفهان قتل عام شدند



صحنه ای از تظاهرات پرشور مردم در شیراز

اجساد شهدای شیراز را شبانه به دریاچه نمک ریختند و شهدای اصفهان را پنهانی به خاک سپردند!

رژیم جنایتکار شاه در سه روز گذشته خون صد ها آزادیخواه را در شهرهای شیراز و اصفهان به خاک ریخت. در حالی که آوارهای شهدای شیراز بیش از ۱۰ نفر و شهدای اصفهان بیش از ۲۰۰ نفر است، رژیم ریاکتور و میمیان باوقاحت گستاخانه ای تعداد کثیفی از عناصرات این دوشهر را تنها ۲ نفر اعلام کرد است. آنها که شهدای خلق را می‌دزدند و این گلگون گفان را در فرهای دروغ و حاشا دفن می‌کنند. هتیا خود را غریب می‌دهند، چرا که در صدای خلق و خون شهید نیرو و پایداری وجود دارد که از خاموشی‌های گویبرگ می‌گذرد و در کاغذ سنگان عدالت آزادی تبدیل به جوان و نیروی خود.

نخستین گزارش‌های خبرنگاران توده از شیراز و اصفهان تعداد ۲۰۰ مجروحین و دستگیر شدگان را در حدود ۱۰۰۰ نفر اعلام می‌کنند. گزارش خبرنگاران ما از دیگر نقاط کشور حاکی از گسترش تظاهرات و طغیان عدم آسیر مردم در نقاط مختلف تهران و شهرهای نزدیک و اردبیل، گازیزین، هارستان، جیرم، کرمانشاه، همدان، قم، و رز و غیره و ای غیباتی چهاردهت‌های دست‌جمعی در این شهر است. اما این اخبار در فضای باز سیاسی مرحض شاه به ریز تا صد ها و وسایل ارتباط جمعی راه ندارد و بافت از انگار صومئ پنهان نگاشته می‌شود. شاه هرروز عمارت تازه ای از آزادی‌یاد پاسی کد به خود را تعمیر می‌کند. او برای ساده لوح ترین انصار و خام ترین اذهان تردیدی باقی نگذاشته که دروغ و رشید و رنگ بریا چیزند در چینه تدار و تنها سخنانی که او برای ملت دارد، گوله گرم، شکجه، زندان و رنج و فقر و محنت است. این حقیقت که در ۶ ماه گذشته هزاران نفر در تبریز و قم و مشهد و رز و جیرم و شیراز و اصفهان و تهران و گازیزین و قزوین و ده هاشمیر بگرتنیا به جرم آزادی‌خواهی و نفرت از رژیم استبداد سلطنتی به خاک و خون کشیده شده اند. هژیه این واقعیت است که تا وقتی کاپوس شاه و رژیم سرسبز و از رنگ و بوی فاسد او روحین باستانی می‌کند، هر شهید با یک شهید نگاه بزرگ است و هر زره از ثروت‌ها و نعمت‌های وطن دهنه خون نریز است و در دست جلاد که با آن قلب مردم را فاش می‌کند.

قتل عام در شیراز

تظاهرات گسترده و چاشکو مردم در شیراز که از ده روز پیش آغاز شده بود، روز پنجشنبه ۱۹ مرداد ماه به اوج بر خیزش رسید. تظاهرات از مسجد نو در خیابان حضرتی و لنگه شاه چراغ آغاز شد. این تظاهرات سالمت آسیر که نفرت از رژیم استبداد و عشق به عدالت و آزادی و چون شعله ای بر زمین آن می‌تابید، با پیورش بهرمنشانه پلصیر شروع شد. گروهی از تظاهرکنندگان با گازهای اشک‌آور پلیس مطب نوشتند، اما گروهی دیگر با پشت‌های گره کرده به گارد‌های مسلح حمله و رفتند. این چند از مردم که به درون مسجد نو طپ را نداشتند بودند، با شلیک گوله‌های پلیس به خون‌خفتند. جنازه‌های خون‌آلود روی دست‌های مردم بلند شد و پلیس رگبار مسلح را به روی کسانی که جنازه‌ها را به دوش کشیده بودند، کشید. بیش از ۲۰ نفر دیگر با اینرگبار دروشتند. اما خون آن‌ها حمله و صاف طسه شد و تا کبان هزاران تظاهرکننده، با صدای مهیب چاشکو هسی نگرادند.

ای مجاهد باها... برادرت کشته شد...
و برادران، و یارهای جوانان به این نمره غم و غما پیمان پاسخ دادند...
شهادت... شهادت ارت است...
و جنگ تن به تن مردم دست‌خالی با گازهای وحشی، با اسیر قلب‌های تنه به خون آغاز شد. این نبرد نابرابر که از ساعت ۲ بعد از ظهر شروع شده بود، در محوطه وحشی صحن شاه چراغ تا ساعت ۸ ادامه یافت. مردم به خاک می‌انداختند. صحن‌ها را چراغ فروری در خون و جنازه‌ها، و دودباروت پیوستند و سوزنده گاز اشک‌آور در هیمتای صحن حرم پیچید. فریاد غم‌ناک صدای الله می‌خروشد و همین می‌خیزن‌ها آبیخت. یکی از خبرنگاران شهد که شاهد این نمایش‌هاکند شده بود است، گزارش می‌دهد: «گازهای مسلح شاه صد ها دوجرحه و متور و سگت و تویسل مردم را در اطراف مسجد نو آتش زدند. آن‌ها از خاک هدمی به باک بنزین

قیام اصفهان با تحمیل مردم در اطراف خانه آیت‌الله خادسی آغاز شد. اجتماع کنندگان خواستار آزادی آیت‌الله خادسی و شخصیت‌های آزادی‌خواه بودند و به رویه قدرتمندان دولت دوسیم‌سیر خواست‌های مردم و ضرورت‌های آزادی اعتراض داشتند. تحمیل کنندگان ابتدا در حدود ۳۰۰ نفر بودند. اما به زودی شمار آن‌ها به ۲۰۰۰ نفر رسید. گروه‌های گوناگون مردم با شور و حرارت بسیار به معترضین غذا می‌رسانند. بازار بسیاری از مغازه‌ها به متراکمی می‌ماند و با تحمیل کنندگان و هرکت درخواست آن‌ها تعطیل کردند و از روز پنجشنبه ۱۹ مرداد این اعتراض‌ها گسترده به نمایش‌های غیباتی دامنه‌دار تبدیل شد. در شرایط اختلاس اهریضی هر خود سری رژیم جره ای است که به انبیا پورت نارفا سی مردم می‌انند. توده‌ها به هر شکل و با هر روشی نارفا سی و غم‌ناک سازه جوی خود را طغی می‌کنند. وقتی صد رژیم در ابریه آزادی‌یاد آیت‌الله خادسی بوج از آب در آمد، صفوف بزرگ تظاهرکنندگان با شمارهای همچنان انگیز سیاسی در خیابان‌ها به راه‌انداختند. تظاهرات روز پنجشنبه تا پاسی از شب گذشته ادامه داشت. شمارهای مردم با گوله‌ها پورت پاسخ داده شد. در تمام کویچه‌ها و خیابان‌های منتهی به چهارباغ مردم می‌خروشتند. روز جمعه تظاهرات از ستر گرفته شد. مردم زیر باران گوله‌ها به راه‌های حزب دیماری رستاخیز، اتوسیل‌های پلیس و بانکه‌ها راه‌های شاه تاراج‌گران خون‌خوره جان ملت و دیگر مراکز وابسته به رژیم را ویران کردند. با به آتش کشیدن، زردیله طهر ارتش وارد میدان صل شد. تا نکه‌ها و زره پوش‌ها و هلی‌کوپترهای نظامی از هر سو به تظاهرکنندگان تاختند جوی‌های خون به راه‌انداختند.

موتور سیکلت‌ها شلیک می‌کردند و وقتی حمله‌ها زیاده می‌کشیدند، دوجرحه‌ها راه میان‌حریف می‌انداختند. تنها در فاصله بین مسجد نو و شاه چراغ ۲۰۰ نفر بر اثر گوله و در شمله‌های آتش مجروح شدند.
تظاهرکنندگان در پاسخ این خرابکاران دولتی، با یک جیوه‌یاد کاسون ارتش راه آتش‌کشیدند. شمارسوزان "مرگ بر شاه" گویس در میان حمله‌های پرورد و همیشه منجر می‌شد.
یکی دیگر از خبرنگاران توده که در ده دیگری از این کارزار خلقی را در گزارش کوتاه خود توصیف کرده است:
"جوان‌ها از رویی با م مسجد نو و ساختمان‌های اطراف با آجر و سنگ به شلیک مسلح‌ها جواب می‌دادند. گوی مرگ معنسی نداشت و گوله معنسی نداشت. سرنیزه معنسی نداشت، مفت در برابر تنگ و کلخ در برابر سلسل..."
کادوهای ارتش پس از ساعت‌ها نبرد و کشتار و به باری هلی‌کوپترهای مجهز به مسلسل، مردم مجروح و خسته را طب‌راندند. بیمارستان‌ها پر شد. بسیاری از مجروحان راه‌مانه به دریاچه نمک در چند فرسنگی شیراز انداختند. آدم‌کشان با این جنایت هولناک می‌خواستند برگ‌های جرم‌را از زمین ببردند. اما همه‌همسید خلق را چگونه می‌توان آن‌ها را می‌د?

کشتار آزادی‌خواهان در اصفهان

تظاهرات خونین اصفهان که پس از ۸ ساعت به استقرار حکومت نظامی انجامید، با گسترش طغی و خلقی خود نشان داد که ایران به دو ارد و گاه جنگ بدل شده است؛ اردوی شاه و گمانگهان و سرنیزه داران او، و اردوی مردم با همه وسعت و عظمت آن‌ها...
این تظاهرات در بروج و دامنه که دهها هزار نفر را برانگیخت و نیز سرخوش خون‌آلود آن گواه بر آست مردم، به قیمت زندگس خود محسم به وارزگی استبداد شاه و مکتوت دست‌نشان گمان و تاراج‌گران تود حکومت کنندگان تنها به ده گوله قدرند چند صیاحی بیشتر خود را بر ارکه نیزان قدرت نیکه ارد و راه‌پژاد بسیار آتیا از میان در میان از خون و گویستان‌های پرا زخمی‌شد می‌گذرد.

پیروزی مبارزه قهرمانانه مردم ایران علیه استبداد سلطنتی محمد رضا شاه